



# Elucidating the Model of the Islamic Cosmopolis in the Thought of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi

abolfazl mashayekhi<sup>1</sup> seyed abdoalhadi daneshpour<sup>2</sup>

1. PhD student in Urban Planning and Design, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran. (The corresponding author)

<https://orcid.org/0000-0002-9978-214X/> [a.mashayekhi@stu.yazd.ac.ir/](mailto:a.mashayekhi@stu.yazd.ac.ir/)

2. PhD in Urban Planning, Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and

Technology, Tehran, Iran. <https://orcid.org/0000-0002-3019-0656/>

[daaneshpour@gmail.com/](mailto:daaneshpour@gmail.com/)

DOI: [10.22034/iscw.2025.2047155.1117](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2047155.1117)

*Orgina  
Research*

**Received:**  
2024-12-01

**Accepted:**  
2025-08-06

**Keywords:**  
Sayyid Jamal  
al-Din  
Asadabadi,  
Utopia,  
Islamic  
Thought,  
Structural  
Model

**Abstract:** Throughout history, numerous thinkers and reformers have sought to define and establish the characteristics of an ideal environment for human life. These characteristics have often been articulated within the framework of worldviews and objectives for human existence, sometimes presented as general guidelines for living and organizing social relations, human interactions with nature, and the built environment. At other times, they have been conceptualized as comprehensive models of an ideal city, referred to by terms such as Medina Fadhila in the works of Farabi, or Utopia in the philosophies of thinkers like Plato, Suhrawardi, Thomas More, Augustine, and others. In the mid-nineteenth century, Sayyid Jamal al-Din Asadabadi brought about a profound transformation in the intellectual and ideological landscape of the Muslim world. This transformation emphasized the practical application of philosophy and the adoption of a problem-solving, socially oriented approach to the Quran, with a focus on wisdom (hikmah). Employing a qualitative methodology, this study seeks to explore Sayyid Jamal al-Din Asadabadi's vision of an ideal society as reflected in his works and thought, addressing the question of the structure and constituent elements of his envisioned utopia. The findings indicate that Asadabadi's utopia transcends the confines of a single city, encompassing a three-tiered structure that includes the Islamic cosmopolis, Islamic countries, and individual cities. The formative elements of his utopian vision, derived from his ideas on unity, awareness, education, and production, include leadership, assemblies, executive authority, judiciary (adalatkhana), the press, mosques, schools, and spaces for dialogue, among others.



## تبیین الگوی جهان شهر اسلامی در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی

ابوالفضل مشایخی<sup>۱</sup> سیدعبدالهادی دانشپور<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

(نویسنده مسئول) / <https://orcid.org/0000-0002-9978-214X>

[a.mashayekhi@stu.yazd.ac.ir](mailto:a.mashayekhi@stu.yazd.ac.ir)

۲. دکتری شهرسازی، دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

ایران، تهران، ایران. <https://orcid.org/0000-0002-3019-0656> / [daaneshpour@gmail.com](mailto:daaneshpour@gmail.com)

DOI: [10.22034/iscw.2025.2047155.1117](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2047155.1117)

**چکیده:** از دیرباز، بسیاری از متفکرین و مصلحین در پی ایجاد و شناسایی مختصات محیطی برای زندگی انسان بوده‌اند. این مختصات در قالب جهان‌بینی و اهداف حیات انسان، گاه به‌طور عام و به‌صورت دستورات عمل‌هایی برای زندگی و چگونگی تنظیم روابط اجتماعی، ارتباط انسان با طبیعت و با ساخته‌هایشان ارائه شده‌اند؛ گاهی نیز در قالب ایده کلی و الگوی عمومی شهر ایده‌آل با نام‌هایی همچون مدینه فاضله نزد فارابی و یوتوپیا (آرمان‌شهر) نزد کسانی چون افلاطون، سهروردی، تامس مور، آگوستین و... مطرح گردیده‌اند. سید جمال‌الدین اسدآبادی در نیمه قرن نوزدهم میلادی در عرصه فکر و اندیشه مسلمانان تحولی عظیم پدید آورد. این تحول همانا تأکید بر کاربردی کردن فلسفه و ایجاد نگاهی اجتماعی و حل‌مسئله‌ای به قرآن با تأکید بر حکمت بود. این پژوهش با روش کیفی به دنبال کشف آرمان‌شهر سید جمال‌الدین اسدآبادی در خلال آثار و اندیشه‌های وی بوده و در پی پاسخ به این پرسش است که آرمان‌شهر وی چه ساختاری داشته و عناصر شهری آن کدام است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که آرمان‌شهر وی در واقع به یک شهر محدود نشده و ساختاری سه سطحی شامل جهان‌شهر اسلامی، کشورهای اسلامی و شهرها را شامل می‌شود. عناصر شکل‌دهنده آرمان‌شهر سید جمال‌الدین بر اساس اندیشه‌های وی در رابطه با وحدت، آگاهی، آموزش و تولید؛ شامل رهبری، مجلس، قوه اجرائیه، عدالت‌خانه، مطبوعات، مساجد، مدارس، فضاهای گفتگو و... است

صص

۲۴۸-۲۸۴

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۱-۹-۱۴۰۳

پذیرش:

۱۵-۵-۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

سید جمال‌الدین

اسدآبادی،

آرمان‌شهر،

اندیشه اسلامی،

الگوی ساختاری

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

ویژگی‌ها و مختصات مدینه فاضله یا آرمان‌شهر که با واژگانی نظیر یوتوپیا، ناکجاآباد و هیچستان<sup>۱</sup> در نظریات مختلف مطرح شده‌اند، از دو منظر قابل بررسی است. نخست، از طریق مطالعه آثاری که به‌طور مستقیم به توصیف مدینه فاضله و شرایط زندگی ایده‌آل انسان پرداخته‌اند. دوم، با تحلیل نوشته‌هایی که اصول و معیارهایی را برای مسیر و شیوه زندگی انسان ارائه کرده‌اند (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۱). سید جمال‌الدین اسدآبادی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تحول فکری عمیقی در میان مسلمانان ایجاد کرد. این تحول بر لزوم کاربردی ساختن فلسفه و رویکردی اجتماعی و مسئله‌محور به آموزه‌های قرآنی با محوریت حکمت تأکید داشت. او در کشورهای چینی، هند، مصر و ایران جریان‌هایی را پایه‌گذاری کرد که زمینه‌ساز احیای حاکمیت اسلام و نظام سیاسی اسلامی شدند. ایشان بر این باور بود که قرآن، روحیه‌ای فلسفی در جامعه می‌آفریند که به حرکت و تحول آن کمک می‌کند. نمونه این اثرگذاری در صدر اسلام مشهود است، جایی که تحول در جامعه عرب جاهلی به ترجمه علوم، فراگیری دانش‌های گوناگون و پایه‌گذاری تمدن اسلامی انجامید (کیخا، ۱۳۹۹: ۲۰۰). در آثار و افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی، به‌وضوح تمایل او به تشکیل جامعه‌ای متحد در جهان اسلام دیده می‌شود. او ایده اتحاد اسلام را به‌عنوان محور اندیشه‌های خود مطرح کرده و همواره خواهان وحدت میان مسلمانان بوده است. متأسفانه، تاکنون توسعه شهری در ایران، با استفاده از نظریات و راهکارهای غربی صورت گرفته که این امر، خود موجب بروز مشکلاتی در شهرهای ایرانی شده است. اندیشه غربی همچنین، پاسخ‌گوی نیازهای انسان ایرانی نبوده است. لذا، جهت پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات، توجه به آراء اندیشمندان اسلامی لازم و ضروری می‌باشد. با وجود مطالعات گسترده‌ای که تاکنون درباره افکار و آثار سید جمال‌الدین انجام شده، جنبه‌های آرمان‌شهری

<sup>۱</sup> واژه «هیچستان» در برخی از متون فارسی برای توصیف آرمان‌شهر (اتوپیا) به کار رفته است. این اصطلاح از معادل انگلیسی Utopia گرفته شده که خود واژه‌ای یونانی، متشکل از "ou" (به معنی «نه») یا «هیچ») و "topos" (به معنی «مکان» یا «سرزمین»)، یعنی «سرزمین ناموجود»، «جایی که وجود ندارد»، «لامکان» می‌باشد (شهیدزاده ماهانی، ۱۳۶۰).

اندیشه‌های او تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. متأسفانه تاکنون در مطالعات صورت گرفته، ساختار و عناصر شهری و نظام حکمروایی آرمان‌شهر وی مورد بررسی قرار نگرفته و اندیشه‌های وی، چندان به مطالعات شهری نزدیک نشده است. لذا، نویسندگان در این پژوهش به دنبال کشف آرمان‌شهر سید جمال‌الدین اسدآبادی در خلال آثار و اندیشه‌های وی بوده و در پی پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشند که:

- آرمان‌شهر سید جمال‌الدین اسدآبادی چه ساختاری داشته و عناصر شهری آن کدام است؟
- نظام حکمروایی موردنظر سید جمال‌الدین، دارای چه ویژگی‌هایی است؟

## ۲- پیشینه پژوهش

در زمینه زندگی، افکار و دستاوردهای سید جمال‌الدین اسدآبادی، تحقیقات متعددی صورت گرفته است. برای بررسی دقیق دیدگاه‌ها و اندیشه‌های او و شناسایی آرمان‌شهر موردنظر وی در لابه‌لای نظراتش، مطالعات مرتبط با زندگی و تفکرات او در این بخش به‌طور جامع تحلیل شده و نتایج کلیدی پژوهش‌های پیشین ارائه گردیده است. محمدعلی توانا (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی»، به بررسی مواجهه اسلام و مدرنیته از دیدگاه متفکران اسلامی پرداخته است. او معتقد است سید جمال‌الدین راه خروج از عقب‌ماندگی و مقابله با استعمار را در بازخوانی آموزه‌های اسلامی در بستر مدرنیته می‌داند. این بازخوانی منجر به خلق هویتی مدرن، اما غیرغربی شد و به ظهور مدرنیسم اسلامی انجامید که به‌عنوان پاسخی مستقل به بحران جوامع اسلامی در قرن نوزدهم مطرح می‌شود. این پژوهش، در خلال توصیف مدرنیته و شرایط منتج شده از آن، به دنبال حل مسائل به وجود آمده با استفاده از اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین بوده است. در این پژوهش، به بیان آرمان‌شهر وی پرداخته نشده است. مسعود مطلبی و محمد مهدی نادری (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، به

بیان تعریف مفهوم آرمان‌شهر و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان و فلاسفه چه در دنیای غرب و کسانی چون افلاطون، آگوستین، توماس مور، کامپانلا و مارکس و چه در دنیای اسلام و ایران و کسانی چون فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، شهاب‌الدین سهروردی و ابن‌خلدون، پرداخته‌اند. این پژوهش، به بیان اندیشه‌های آرمان‌شهری افراد مختلف پرداخته و در خصوص اندیشه‌های آرمان‌شهری سید جمال‌الدین، صحبتی به میان نیاورده است. علیرضا علی صوفی و عباس زارعی مهرورز (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندیشه و عمل سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری»، به تحلیل دیدگاه‌های سیاسی او با محوریت مبارزه با استبداد و استعمار پرداخته‌اند. در این پژوهش، به پیوند میان اندیشه و عمل سیاسی او توجه شده و بر عمل‌گرایی وی تأکید شده است. نگارندگان در این پژوهش به بررسی دو دیدگاه متفاوت سیاسی و شیوه مبارزات سید جمال‌الدین پرداخته و در خصوص نحوه نظام حکمروایی، سخنی به میان نیاورده‌اند. محمد اصدق‌پور (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «آراء تفسیری سید جمال‌الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن»، دیدگاه‌های او را درباره اصلاح نابسامانی‌های جوامع اسلامی بررسی کرده است. سید جمال‌الدین راه نجات از انحطاط را در بازگشت به آموزه‌های قرآنی می‌دید و تلاش داشت با استفاده از این آموزه‌ها، الگویی برای زندگی دنیوی و اخروی ارائه دهد. او بر وحدت جهان اسلام تأکید داشت و معتقد بود این وحدت از طریق تحلیل عواملی که به ایجاد همبستگی کمک می‌کنند و رفع موانع ممکن است. در این پژوهش، بر گرایش به نگاه اجتماعی به آیات قرآن توسط سید جمال‌الدین تأکید شده و به مسائل آرمان‌شهری و ساختار آرمان‌شهر وی پرداخته نشده است. محمد دهقانی و محمدرضا بارانی (۱۳۹۶) در مقاله «جایگاه رواداری در تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی»، نقش رواداری در تمدن‌سازی اسلامی را از منظر او بررسی کرده‌اند. اسدآبادی معتقد بود احیای تمدن اسلامی نیازمند باور به اسلام اصیل، تطبیق آموزه‌های آن با نیازهای روز، تعامل علمی با سایر اندیشمندان و مبارزه با خرافات است. این پژوهش ضمن پرداختن به مسئله مهمی همچون

تمدن سازی، به ابعاد و ساختارهای تمدن پیشنهادی سید جمال الدین نپرداخته است. مرتضی شیروودی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش خلافت و حکومت در اندیشه سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی»، تضاد میان مفاهیم مدرن و سنتی در اندیشه او را تحلیل کرده است. این پژوهش به دنبال تبیین روش بومی سازی رویکردهای سید جمال الدین برای پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان در دوران مدرن است. این پژوهش متأسفانه به نحوه کاربست این بومی سازی در حکومت‌ها و شهرهای امروز ایران نپرداخته است. نجمه کیخا (۱۳۹۹) در مقاله «حکمت و سیاست در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی»، به طبقه‌بندی نوین او در علوم و بازتعریف جایگاه سیاست پرداخته است. وی معتقد است سید جمال با ارائه تفسیری نوین از حکمت، سیاست و قرآن، تحولی بزرگ در زمانه خود ایجاد کرد که اثرات آن تا امروز پابرجاست. این پژوهش با تأکید بر نگاه سید جمال الدین به حکمت تدوین شده و در خصوص اندیشه‌های سیاسی وی در ارتباط با نظام حکمروایی، سخنی به میان نیاورده است. جعفر آقازاده و غفار عبداللهی متنق (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «اتحاد اسلام از منظر سید جمال الدین اسدآبادی و سلطان عبدالحمید دوم»، به بررسی دیدگاه‌های این دو شخصیت درباره اتحاد اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که گرچه این دو مفهوم اتحاد اسلام را با شباهت‌های بسیاری مطرح کرده‌اند، تفاوت‌هایی نیز در رویکردهایشان وجود دارد که ناشی از شرایط جغرافیایی و اجتماعی آنان بوده است. این پژوهش نیز با نگاهی تاریخی، تنها به توصیف اندیشه اتحاد جهان اسلام از نگاه سید جمال الدین پرداخته و به قرابت‌های آن با نحوه حکمروایی در شهرها نپرداخته است. این مطالعات نشان می‌دهند که سید جمال الدین اسدآبادی با رویکردی چندوجهی به مسائل اسلامی، تلاش داشت اندیشه‌هایی برای حل بحران‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع مسلمان ارائه دهد. آرمان او برای ایجاد تمدنی متحد و مبتنی بر اصول اسلامی، با بهره‌گیری از نوآوری‌های فکری و تعامل با اندیشه‌های مدرن همراه بود. با مطالعه سایر منابع و اسناد می‌توان متوجه شد که عمده مطالعات پیشین صورت گرفته، اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی را به تفصیل ارائه

کرده، با این حال، در این مطالعات، در خصوص آرمان‌شهر وی صحبتی به میان نیامده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، سید جمال‌الدین در صدد ارائه آرمان‌شهر نبوده، با این حال، با نگاهی به آثار وی و بررسی افکار و اندیشه‌های وی، نگارندگان در این پژوهش، به دنبال نزدیک کردن اندیشه‌های وی به مطالعات شهری و شناسایی نحوه کاربست این اندیشه‌ها در شهرها هستند. لذا، در این پژوهش، نویسندگان به دنبال بررسی استخراج و ارائه آرمان‌شهر از آراء و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌باشند.

### ۳- روش تحقیق

در بررسی مطالعات و آراء و اندیشه‌های نظریه‌پردازان، غالباً روش‌های کیفی بر روش‌های کمی برتری داشته‌اند. در واقع روش‌های کیفی در جایی که هدف پرداختن به کشف تجارب ذهنی و نیز نظریات اشخاص است، مناسب‌ترین روش‌ها هستند. بر این اساس، در این پژوهش نیز از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. به منظور استخراج آراء و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، از مطالعه اسناد کتابخانه‌ای استفاده شده و سپس به دسته‌بندی این نظرات در خصوص کشف آرمان‌شهر وی پرداخته شده است.

### ۴- مبانی نظری

#### ۴-۱- آرمان‌شهر

از گذشته‌های دور، بسیاری از متفکران و مصلحان در تلاش بوده‌اند تا ویژگی‌ها و شرایط محیطی مطلوبی را برای زندگی انسان شناسایی و ارائه کنند که با تحقق آن‌ها، دستیابی به کمال انسانی و اهداف زندگی آسان‌تر شود. این ویژگی‌ها گاه در قالب اصول کلی و راهنمایی‌هایی برای تنظیم روابط اجتماعی، تعامل انسان با طبیعت و دستاوردهای او مطرح شده‌اند و گاه به صورت طرحی کلی از شهری ایده‌آل تحت عناوینی چون مدینه فاضله، آرمان‌شهر، یوتوپیا و موارد مشابه توسط اندیشمندانی نظیر افلاطون، فارابی، سهروردی، تامس مور و آگوستین معرفی شده‌اند. در دوره‌های جدیدتر نیز شخصیت‌هایی مانند مارکس، پرودن، هاوارد و برخی معماران مدرنیستی همچون لوکوربوزیه و لینچ به ارائه ایده‌هایی برای

طراحی شهر آرمانی پرداخته‌اند (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۱). آرمان‌شهر که در ذهن بشر نمادی از سعادت و خوشبختی کامل است، همواره در رؤیاهای و خیال انسان جایگاهی ویژه داشته است. ترکیب جنبه‌های مادی و معنوی برای ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل، در طول تاریخ به اشکال مختلفی در قالب تمدن‌ها و تفکرات گوناگون به تصویر کشیده شده است. گاه این رؤیاهای به صورت اساطیر و داستان‌های مربوط به عصر طلایی و قهرمانان بشری بیان شده و گاه به عنوان بازتاب آرمان‌های نظام‌های سیاسی و حاکمیتی.

از افلاطون در کتاب جمهوری گرفته تا فارابی با اندیشه‌های اهل مدینه فاضله در اوج تمدن اسلامی و همچنین فیلسوفانی مانند تامس مور، فرانسیس بیکن و در دوره‌های معاصرتر، رابرت اوئن، همگی تلاش کرده‌اند تصویری از شهری ایده‌آل ارائه دهند. مفاهیمی چون عدالت، حقیقت، برابری، شیوه‌های رستگاری، ویژگی‌های حکمرانان و تحقق بهشت زمینی از جمله موضوعاتی بوده که در این تفکرات مورد توجه قرار گرفته است. این توصیفات اغلب تحت تأثیر شرایط سیاسی، مذهبی و فرهنگی دوران خود بوده‌اند (ستاری ساربانقلی، ۱۳۹۱: ۵۶). افلاطون در کتاب جمهوری آرمان‌شهر خود را توصیف می‌کند. او جامعه‌ای را تصور می‌کند که در آن حکومت در دستان فیلسوف-شاه است، یعنی کسی که به حقیقت و عدالت آگاه است. افلاطون بر این باور بود که تنها با حکومت فیلسوفان، جامعه‌ای عادلانه شکل می‌گیرد (افلاطون، ۱۳۸۷). سهروردی در «حکمة الاشراق» و «الغربة الغریبه» از یک آرمان‌شهر معنوی صحبت می‌کند که در آن، نور و معرفت، اساس حکومت را تشکیل می‌دهد. در دیدگاه او، مدینه فاضله در دنیای مادی قابل تحقق نیست، بلکه در ساحت‌های معنوی و اشراقی وجود دارد. وی به جای پادشاه فیلسوف، از شیخ الاشراق به عنوان رهبری نام می‌برد که با نور حقیقت آشنا شده است و راهنمای جامعه خواهد بود (سهروردی، ۱۳۸۰). تامس مور در کتاب اتوپیا، جامعه‌ای خیالی را توصیف می‌کند که در آن، مالکیت خصوصی حذف شده، برابری اجتماعی برقرار است و مردم در صلح زندگی می‌کنند. این جامعه دارای حکومت عقلانی و سیستم آموزشی پیشرفته است. مور جامعه‌ی خود را انتقادی بر

ساختارهای سیاسی و اجتماعی اروپا می‌داند و مدلی را پیشنهاد می‌دهد که در آن، رفاه عمومی جایگزین نابرابری طبقاتی می‌شود (مور، ۱۳۸۸).

همچنین، کتاب شهر خدا اثر سنت آگوستین، یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی و الهیاتی در قرون وسطی است که در آن مفهوم آرمان‌شهر (اتوپیا) به شیوه‌ای دینی و فلسفی مطرح می‌شود. آگوستین آرمان‌شهر خود را تحت عنوان شهر خدا توصیف می‌کند که بر پایه عشق به خدا (caritas) و ارزش‌های مسیحی بنا شده است (Augustine, De Civitate Dei, Book XIV). فرانسیس بیکن در آتلانتیس نو تصویری از یک جامعه آرمانی را ارائه می‌دهد که در آن، دانش و علم، محور پیشرفت و حکومت قرار دارد (Bacon, 1627). رابرت اوئن، سوسیالیست آرمان‌گرا، جامعه‌ای را در ذهن داشت که در آن کارگران در رفاه، آموزش و برابری اقتصادی زندگی می‌کنند. او در دهکده‌های همکاری به دنبال ایجاد جوامع اشتراکی بود (Owen, 1991).

آرمان‌شهر که گاهی با نام ناکجاآباد یا مدینه فاضله شناخته می‌شود، شهری خیالی است که در آن همه‌چیز کامل و زندگی همراه با رستگاری است. مکانی که دستیابی به آن شاید ممکن نباشد اما در ذهن انسان همواره به‌عنوان نمادی از خوبی مطلق، زیبایی و کمال نقش بسته است. انسان همواره در تلاش بوده است جامعه‌ای بسازد که در آن بتواند خواسته‌های خود را تحقق بخشد، استعدادهايش را به فعلیت برساند و معنویت را با آرامش روحی و رفاه مادی تلفیق کند. با این حال، این تصویر آرمانی همواره تحت تأثیر زمان و مکان و پیشرفت‌های فکری و تجربی انسان تغییر کرده است. با گذر زمان و فاصله گرفتن از اسطوره‌ها، انسان توانست به کمک خرد و دانش، مفاهیم آرمان‌شهر را از خیال به واقعیت نزدیک‌تر کند. به همین دلیل، تفکر درباره آرمان‌شهر از دوران اسطوره‌ای به دوره‌ای مبتنی بر عقلانیت منتقل شد و به ابزاری برای سنجش نظام‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل گردید. فارابی، فیلسوف برجسته ایرانی، یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی است که اندیشه آرمان‌شهر اسلامی را مطرح کرده است. او در کتاب اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، جامعه‌ای آرمانی را بر پایه مفاهیم فلسفی و آموزه‌های شریعت اسلام

توصیف کرده است (بلالی اسکویی، ۱۳۹۶: ۲). فارابی آرمان‌شهری را توصیف می‌کند که در آن، فیلسوف-پادشاه رهبری جامعه را برعهده دارد و جامعه بر اساس عدالت و عقلانیت اداره می‌شود. در مدینه فاضله، حاکمان باید دارای فضایل اخلاقی، خرد و دانش باشند. این شهر آرمانی، تصویری نمادین از بهشت است، جهانی پر از امنیت، نظم، زیبایی و آرامش که می‌تواند نویدبخش پایان آشفتگی‌ها و رنج‌های بشر باشد. فارابی شهر آرمانی را به‌مثابه بازتابی از درون انسان معرفی می‌کند، شهری زنده و آگاه که بخشی از هویت انسانی را تشکیل می‌دهد و انسان نیز بخشی از آن است (فارابی، ۱۳۸۴). شاعر عطار نیشابوری این مسیر آرمانی را چنین توصیف کرده است:

«هفت شهر عشق را عطار گشت - ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم.»

اندیشه آرمان‌شهری در ادیان سامی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) نقش مهمی در شکل‌دهی به باورهای دینی و اجتماعی داشته است. این ادیان معمولاً آرمان‌شهر را به‌عنوان جامعه‌ای ایده‌آل در ارتباط با اراده الهی توصیف می‌کنند که در آن عدالت، معنویت و سعادت نهایی برقرار است. در یهودیت، مفهوم آرمان‌شهر عمدتاً در قالب عصر مسیحایی مطرح می‌شود. در این دیدگاه، ظهور ماشیح (مسیح موعود) جهان را از بی‌عدالتی و فساد پاک کرده و یک حکومت الهی بر اساس تورات برقرار خواهد کرد (اشعیا ۲: ۴، ۱۱: ۹-۶). در مسیحیت، مفهوم آرمان‌شهر به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های شهر خدای سنت آگوستین قرار دارد. کتاب مکاشفه یوحنا به تحقق نهایی ملکوت خدا بر زمین اشاره دارد، جایی که «اورشلیم جدید» فرود می‌آید و انسان‌ها در حضور خداوند زندگی جاودانه خواهند داشت (مکاشفه ۲۱: ۴-۱). در اسلام نیز، آرمان‌شهر به‌صورت یک جامعه عادلانه و مبتنی بر شریعت الهی تصویر شده است.

#### ۴-۲- آرمان‌شهر بر محور عدالت

عدالت از دیدگاه‌های مختلف به‌عنوان منشأ و مبنای ایجاد محیط مطلوب و عاملی مهم در تعریف شهری ایده‌آل مطرح بوده است. از عدالت تعابیر و برداشت‌های مختلفی ارائه شده و در طول تاریخ نظریه‌های گوناگون درباره مفهوم عدالت بیان

گردیده است؛ اما نگاه اسلام به عدالت با همه مکاتب بشری متفاوت است. اهمیت عدالت در اسلام از آنجا سرچشمه می‌گیرد که بنا بر آموزه‌های اسلامی، خداوند عادل است و همه افعال الهی عین دادگری و عدالت‌اند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹). عدالت و عدالت محیطی در نظرگاه حکما و علمای مسلمان به شرح زیر است.

#### جدول ۱. عدالت و عدالت محیطی در نظرگاه حکما و علمای مسلمان

| اصول عدالت محیطی                          | اصول عدالت  | هدف                                    | ویژگی                 | نام جامعه آرمانی  | نام اثر آرمان‌گرا               | نام         |
|---|---|--|-----------------------|-------------------|---------------------------------|-------------|
| برابری اجتماعی و اقتصادی                  | عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها                                      | سعادت معنوی                            | نگاه اندام‌گرا به شهر | مدینه فاضله       | آرای اهل مدینه فاضله و سیاست‌ها | فارابی      |
| برابری اجتماعی و اقتصادی برابری روند کاری | عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها عدالت از منظر روند کار (مشارکت مردم)                     | ارائه سنت فرهنگی (کریمه) بر پایه شریعت | عدالت                 | دادشهر (آیین شهر) | الشفاء                          | ابوعلی سینا |
| برابری اجتماعی و اقتصادی برابری روند کاری | عدالت از منظر توزیع عدالت از منظر قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها عدالت از منظر روند کار (مشارکت مردم) | رسیدن به فضیلت، کمال و کمال‌یابی       | شریعت اسلامی          | اجتماع فضیلت‌محور | -                               | ابن رشد     |

|                                   |   |                                      |  |   |                |                         |
|-----------------------------------|---|--------------------------------------|--|---|----------------|-------------------------|
| برابری<br>اجتماعی<br>و<br>اقتصادی | عدالت از<br>منظر توزیع<br>عدالت از<br>منظر<br>قابلیت‌ها و<br>ظرفیت‌ها | ایجاد<br>اشتراک<br>در آرا و<br>افعال | نابرابری<br>آدمیان و<br>تقسیم‌کار<br>اجتماعی | - | اخلاق<br>ناصری | خواجه‌نصیرالدین<br>طوسی |
|-----------------------------------|---|--------------------------------------|--|---|----------------|-------------------------|

(مأخذ: عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲)

مدینه‌النبی به‌عنوان نخستین الگوی عینی یک جامعه اسلامی، نه صرفاً یک شهر تاریخی، بلکه نمونه‌ای از آرمان‌شهر قرآنی محسوب می‌شود که پیامبر اسلام (ص) برای تحقق آن مبعوث شد. برخلاف بسیاری از نظریات اتوپیایی که آرمان‌شهر را مفهومی دور از واقعیت و غیرقابل تحقق می‌دانند، مدینه‌النبی بر پایه واقعیت‌های اجتماعی و نیازهای انسانی شکل گرفت و به‌عنوان مدلی عملی در تاریخ به اجرا درآمد. این جامعه نه‌تنها در پی تنظیم روابط انسانی بر اساس اصول اخلاقی و دینی بود، بلکه فرایندی اجتماعی برای گذار از جامعه‌ای قبیله‌ای و نابرابر به جامعه‌ای بر مبنای عدالت، وحدت و توحید محسوب می‌شد.

پیامبر اکرم با ترسیم ویژگی‌های این آرمان‌شهر در قرآن و اجرای آن در سبک زندگی خود، مسیر تازه‌ای را در تاریخ انسانی گشود. این جامعه ایده‌آل اسلامی، بستری است که در آن همه استعدادهای درونی انسان‌ها در پرتو پرستش و معرفت خداوند به شکوفایی می‌رسند. مدینه‌النبی با طبیعت و نیازهای واقعی جامعه بشری سازگار بوده و شرایط لازم برای حرکت انسان به سوی تعالی الهی را فراهم می‌کند. هدف اصلی این جامعه، پرورش انسان‌هایی آگاه به خود و متصل به خداوند است. ارزش‌های حاکم بر مدینه‌النبی شامل دانش، عدالت، قدرت، زیبایی، لطف و خلاقیت است. از ویژگی‌های کلیدی این آرمان‌شهر می‌توان به برقراری عدالت در ساختار شهر، توجه متوازن به ابعاد مختلف زندگی، رعایت حقوق همه شهروندان به‌طور عادلانه و هماهنگی نظام شهری با تعادل موجود در جهان هستی اشاره کرد (بلالی اسکویی، ۱۳۹۶: ۳-۴). پیامبر اسلام (ص) در نخستین اقدامات خود در مدینه به ایجاد انسجام و اتحاد میان مردم پرداخت و محدودیت‌های طبقاتی را از

میان برداشت. دیگر اقدامات ایشان می‌توان به توزیع عادلانه زمین و منابع طبیعی از طریق وقف و تقسیم چاه‌های آب، توزیع ثروت میان مهاجران و انصار و تنظیم نخستین پیمان‌نامه عمومی اسلام اشاره کرد که میان گروه‌های مختلف مدینه منعقد شد. همچنین، پیامبر افراد جامعه را به دو گروه حضری و بدوی تقسیم کرد و الگوهای رفتاری متناسب با هر گروه را مشخص نمود. این تدابیر که با هدف توزیع عادلانه ثروت و تقویت ارزش‌های انسانی انجام شدند، نمادی از عدالت اجتماعی و محیطی در مدینه‌النبی بودند (پاک، ۱۳۸۷: ۱۳۸؛ به نقل از سلیم حکیم، ۱۳۸۱).

### ۵- مختصری از زندگی و شخصیت سید جمال‌الدین

سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۱۲۱۷ شمسی در روستای اسدآباد در نزدیکی همدان به دنیا آمد (مصباحی، ۱۳۷۵: ۱۱). باین‌حال، ابراهیم صفایی در کتاب رهبران مشروطه مدعی است که تولد او در اسدآباد کابل بوده و به واسطه تعصبات گروهی از ایرانیان، به نام اسدآبادی شناخته شده است (صفایی، ۱۳۶۲: ۱۱). سید جمال در کودکی به قزوین رفت و در ده سالگی به آموختن فقه و اصول پرداخت (مافی، ۱۳۴۲: ۲۷). در عراق نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل در علوم چون تفسیر، حدیث، فقه، اصول، کلام، منطق و حکمت الهی پرداخت و به دلیل هوش سرشار، در همان ده سال اول مقدمات عربی را به‌خوبی فراگرفت (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۶۹). طولی نکشید که نبوغ او در میان علمای شهرهای نجف، کربلا و سامرا آشکار شد. در سال ۱۲۷۰ هجری قمری، سید به بمبئی رفت و در سال‌های بعد، از مکه و مشهد دیدن کرد. در سال ۱۲۷۷ هجری قمری، عازم کابل شد و سپس در سال ۱۲۸۰ هجری قمری به هند بازگشت؛ اما به دلیل نگرانی دولت انگلیس از فعالیت‌های او، مجبور به ترک هند شد و به مصر رفت (مافی، ۱۳۴۲: ۴۱). در مصر نیز استعمارگران او را تهدیدی جدی دیدند و دولت قاهره را تحت فشار گذاشتند تا وی را اخراج کند. پس از حدود چهل روز اقامت در مصر، سید جمال به ترکیه رفت و در سال ۱۲۸۶ هجری قمری وارد استانبول شد، جایی که مورد استقبال قرار گرفت (جمالی، ۱۳۵۸: ۴۰). در این دوران، شرایط جهانی و

داخلی به گونه‌ای بود که اندیشه‌های تحول‌خواهانه اهمیت بیشتری یافتند. جنگ‌های ایران و روسیه، سیاست‌های استعماری انگلیس و فعالیت‌های ناپلئون، توجه بسیاری را به مسائل شرق معطوف کرد. در ایران نیز اعزام دانشجویان به اروپا، تأسیس مدارس مدرن، تغییر در نظام لشکری و ترجمه آثار غربی، آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم را افزایش داد، هرچند نبود صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری، انتشار افکار را محدود می‌کرد (محیط طباطبایی، ۱۳۳۵: ۱۵۰). با ورود میرزا صالح شیرازی از لندن و تأسیس چاپخانه در ایران، اولین روزنامه با عنوان کاغذ اخبار منتشر شد. در دوران ناصرالدین‌شاه نیز روزنامه‌های دیگری چون وقایع اتفاقیه و اختر استانبول نقش مؤثری در ارتقای آگاهی مردم ایفا کردند. مقالات عروه‌الوثقی نیز که به موضوع اتحاد مسلمانان می‌پرداخت، تأثیر عمیقی بر خوانندگان گذاشت (همان: ۱۵۱). سید جمال‌الدین اسدآبادی، از این فرصت‌ها بهره برد و اصول شب‌نامه‌نویسی را به یاران خود آموزش داد. این شب‌نامه‌ها و نامه‌های ارسالی به علما و سیاستمداران در قضایای مهمی مانند مبارزه تنباکو نقش کلیدی داشتند و زمینه‌ساز شکست ناصرالدین‌شاه و اتابک شدند (همان: ۱۵۵). به‌طورکلی، شرایط زمینه‌زندی وی، شامل مراحل و اتفاقات زیر می‌شد.

| زندگی در دوران حکومت سه پادشاه | اتفاقات دوران محمدشاه و ناصرالدین شاه | امتیازات دوران محمدشاه و ناصرالدین شاه | تولد سبک تهران        |
|--------------------------------|---------------------------------------|--|-----------------------|
| محمدشاه                        | تشکیل شورای دولتی از وزرا             | امتیاز روبتر                           | نقشه دارالخلافة تهران |
| ناصرالدین شاه                  | تاسیس دارالفنون                       | بانک شاهنشاهی                          | نقشه دارالخلافة ناصری |
| مظفرالدین شاه                  | تاسیس مصلحت‌خانه                      | انحصار توتون و تنباکو                  |                       |
| پیمان آخال و گلداسمیت          | سفر به اروپا                          | لاتاری                                 |                       |

شکل ۱. شرایط زمینه و اتفاقات

(مأخذ: نگارندگان)

او برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام، سه راهکار بنیادین ارائه کرد که ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشتند:

- تبدیل نظام حکومت از استبدادی به مشروطه و جایگزینی قانون به جای دستورات فردی.

- از بین بردن تفرقه‌های مذهبی و ترویج اتحاد اسلامی.

- مبارزه قاطع و بی‌وقفه با نفوذ استعمار (توانا، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

این اصول نمایانگر چشم‌انداز سید جمال‌الدین برای آینده‌ای عادلانه و مبتنی بر وحدت اسلامی بودند.

## ۶- بحث و یافته‌ها

### ۶-۱- نگاه مسئله‌محور به آموزه‌های قرآن

سید جمال‌الدین اسدآبادی در اندیشه خود، نگاه مسئله‌محور به آموزه‌های قرآنی را مطرح کرد؛ وی معتقد بود که قرآن تنها یک متن مقدس برای تلاوت و عبادت نیست، بلکه باید به‌عنوان راهنمای عملی برای حل مشکلات اجتماعی، سیاسی و تمدنی مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد. او این نگاه را در زمینه‌های مختلف نشان داده است. به‌طور مثال سید جمال‌الدین آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) را به‌عنوان یک اصل مهم برای تحول اجتماعی مطرح می‌کرد. او می‌گفت که مسلمانان نباید منتظر تغییر از سوی حاکمان یا نیروهای خارجی باشند، بلکه باید خودشان آگاهی پیدا کنند، خودسازی کنند و تغییرات را از درون جامعه آغاز کنند. این دیدگاه او را به سمت تفکر اصلاح‌گرایانه و تأکید بر آموزش، بیداری فکری و استقلال از استعمار سوق داد.

همچنین، آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)، یکی از اصلی‌ترین مبانی فکری سید جمال در نقد استبداد و ترویج مردم‌سالاری دینی بود. او اعتقاد داشت که استبداد، بزرگ‌ترین عامل عقب‌ماندگی مسلمانان است و جامعه اسلامی باید به‌سمت مشورت، آزادی بیان و مشارکت مردم در حکومت حرکت کند. به همین دلیل، در دیدارهای خود با حاکمان مسلمان تأکید زیادی بر تشکیل پارلمان و نظام‌های قانونی مبتنی بر شورا داشت. سید جمال‌الدین آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا

اَسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) را نیز، دلیلی بر ضرورت تقویت علمی، نظامی و اقتصادی مسلمانان می‌دانست. او معتقد بود که مسلمانان نباید صرفاً به گذشته پرافتخار خود تکیه کنند، بلکه باید قدرت خود را از طریق دانش، فناوری و اتحاد تقویت کنند تا بتوانند در برابر استعمار و تسلط قدرتهای خارجی مقاومت نمایند (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

## ۶-۲- اندیشه اتحاد اسلام

سید جمال‌الدین اسدآبادی را می‌توان یکی از پیشگامان اندیشه اصلاحات در جهان اسلام دانست که در دوران اوج استعمار خارجی و استبداد داخلی، مفاهیمی بنیادین در حوزه سیاست و دین را مطرح کرد. برخلاف بسیاری از اندیشمندان پیشین که صرفاً به نقد وضع موجود می‌پرداختند، سید جمال با نگاهی راهبردی، راهکارهایی عملی برای خروج از بحران ارائه کرد. مهم‌ترین محورهای اندیشه او مبارزه با استعمار و تلاش برای اتحاد سیاسی و مذهبی مسلمانان بود که در مجله عروه‌الوثقی به تفصیل به آن پرداخته است. (برگرفته از مقاله وحده الاسلامیه در مجله عروه‌الوثقی).

از منظر تحلیل تاریخی، طرح ایده «مبارزه آگاهانه با استعمار» توسط سید جمال‌الدین، واکنشی به شرایط بحرانی جوامع اسلامی بود. او با مشاهده ضعف کشورهای مسلمان در برابر سلطه اروپاییان، بر لزوم ایجاد آگاهی سیاسی و بسیج عمومی تأکید کرد. او درباره وضعیت مسلمانان در برابر غرب می‌گوید: «شاهان ستمگر عصای پادشاهی را از مسلمانان گرفتند و با آن، تمام زمین را به جز عده کمی در اختیار غربی‌ها قرار دادند.» اما آنچه اندیشه او را از دیگر متفکران اسلامی متمایز می‌کند، این است که مبارزه با استعمار را مستقل از مقابله با استبداد داخلی نمی‌دانست. او معتقد بود که جوامع اسلامی تنها زمانی می‌توانند در برابر قدرتهای استعماری مقاومت کنند که از درون قوی و مستقل شوند. او اشاره می‌کند که: «اگر حاکم نادان، بدخلق و ضعیف باشد، مردم آن سرزمین نیز به همان میزان ضعیف خواهند شد». وی معتقد بود که برای دستیابی به آزادی و عدالت در جوامع اسلامی، باید حکومت‌های استبدادی کنار گذاشته شده و

حکومت‌های مشروطه جایگزین آن‌ها شوند. سید جمال‌الدین با سفر به کشورهای مختلف اسلامی، به بررسی مشکلات آن‌ها پرداخت و متوجه شد که اصلی‌ترین مانع در راه پیشرفت، استبداد داخلی است که باید از بین برود تا مبارزه با استعمار اثرگذار باشد. در این راستا، وی تأکید داشت که اصلاحات سیاسی و اجتماعی باید در اولویت قرار گیرد (رساله الحکومه الاستبدادیه).

از دیگر مفاهیم اساسی در تفکر سید جمال‌الدین، اتحاد مسلمانان و همبستگی اجتماعی بود. او معتقد بود که مسلمانان باید در مسائل مشترک همکاری کنند و به هم‌افزایی در برابر استعمارگران بپردازند. هدف او از این اتحاد، ایجاد آگاهی و دفاع از استقلال کشورهای اسلامی و آزادی مسلمانان بود. سید جمال‌الدین برای تحقق این اهداف، بیش از پانصد نامه به زبان‌های مختلف به کشورهای اسلامی فرستاد و با انتشار روزنامه‌هایی چون *عروه‌الوثقی* در اروپا، به ترویج این افکار پرداخت. سید جمال‌الدین همچنین بر اهمیت دو نیروی ملی و ایمانی در تأسیس یک دولت مستحکم تأکید می‌کرد. او بر این باور بود که اتحاد مسلمانان می‌تواند از نفوذ استعمارگران جلوگیری کرده و ملت‌ها را از انحلال و زوال محافظت کند (برگرفته از مقاله الوحده و السیاده در نشریه عروه‌الوثقی). در نگاه او، اصلاحات ساختار دولتی با محوریت عدالت و علم می‌تواند راهی برای مقابله با استعمار و تحقق وحدت اسلامی باشد (اسدآبادی، ۱۳۵۰: ۲۵۰).

### ۶-۳- نظام سیاسی مطلوب در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال‌الدین اسدآبادی در مقاله‌ای با عنوان «الحکومة الاستبدادیه»، اندیشه‌های خود درباره حکومت مطلوب را مطرح کرد. او ابتدا به نقد آثار منفی نظام استبدادی در جوامع مشرق‌زمین پرداخت و تأکید کرد که این نوع حکومت‌ها جامعه را دچار استبدادزدگی کرده‌اند. به عقیده او، در آن زمان سخن گفتن از جمهوری ممکن نبود و باید اصلاحات در قالب حکومت‌های استبدادی صورت می‌گرفت. سید جمال‌الدین سپس انواع مختلف حکومت استبدادی را توضیح داد:

۱. حکومت قاسیه: حکومت‌هایی که شبیه به دزدان عمل می‌کنند و اموال و دارایی‌های مردم را به غارت می‌برند. این حکومت‌ها با خشونت و تهدید، منابع مردم را تصرف می‌کنند.

۲. حکومت ظالمة: حکومت‌هایی که علی‌رغم داشتن ظاهر حکومت، مردم را به بردگی کشانده و آن‌ها را از کارهای مؤثر و علمی باز می‌دارند. این حکومت‌ها مردم را به اعمال شاقه مجبور می‌کنند و از پیشرفت آن‌ها جلوگیری می‌کنند.

۳. حکومت رحیمه: این نوع حکومت به دو دسته تقسیم می‌شود:

- حکومت رحیمه جاهله: در این نوع حکومت، حاکم مانند پدر مهربانی است که مردم را به رفتارهای خوب دعوت می‌کند، اما خود قادر به ارائه ابزارهای لازم برای پیشرفت و رفاه نیست.

- حکومت رحیمه عالمه: این نوع حکومت شامل دو دسته است:

- حکومت عالمه افینیه<sup>۲</sup>: حاکم ابتدا منابع پیشرفت را فراهم می‌آورد، اما بعد از آن نظارت لازم را از دست می‌دهد و مردم را به حال خود رها می‌کند.

- حکومت رحیمه حکیمه: این نوع حکومت به معنای حکومتی است که حکما و متخصصان با دانش و تدبیر، همواره به پیشرفت ملت توجه دارند و به‌صورت مستمر، نظارت و هدایت لازم را انجام می‌دهند. (رساله الحکومه الاستبدادیه)

او دو نوع حکومت جمهوری و استبدادی را از هم متمایز می‌کند و با تأکید بر این که اکنون گرفتار استبداد هستیم، درصدد نشان دادن راه‌های برون‌رفت از

<sup>۲</sup> واژه افینیه در لغت به معنای «ناقص‌العقل» آمده است. همان‌گونه که در نوع اول، حکومت، مردم را به‌سوی کارهای خوب دعوت می‌کرد، ولی اسبابش را برای آنان فراهم نمی‌ساخت، منظور سید جمال‌الدین در اینجا آن است که حکومت، اسباب پیشرفت را در ابتدا فراهم می‌سازد؛ ولی در ادامه بر مردم نظارت و کنترل ندارد و مردم را به حال خود رها می‌کند و بدین‌وسیله مردم از جاده درست، خارج و دچار فقر و هلاکت می‌گردند. به عقیده سید جمال‌الدین، دولت، نقش هدایت، راهنمایی و نظارت بر مردم، ارگان‌ها و نهادها را دارد و همواره در ایجاد راهکارهای جدید برای پیشرفت جامعه باید کوشا باشد (حسینی و خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۶۱-۶۲).



## ۶-۴- مفهوم علم از نگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال‌الدین اسدآبادی، متفکر برجسته جهان اسلام، علم را به‌عنوان پرتویی از نور الهی می‌دانست که در وجود انسان حرارت، غیرت و تعصبی ایجاد می‌کند که نیک را از بد تمییز داده و فرد را از پذیرش ظلم و استبداد باز می‌دارد. او معتقد بود که علم محدود به حوزه یا سرزمینی خاص نیست و مرزهای آن نامتناهی است. به نظر او، علم شامل هر دانشی است که انسان را از ظلمت جهل‌رهایی بخشیده و به سوی روشنایی هدایت می‌کند، چه این دانش تجربی باشد و چه فقهی. وی بر سلطنت عقل و علم و دادن توانایی بر انسان تأکید می‌ورزد و خواهان توجه و تأکید بر علوم تجربی و طبیعی است (شیرازی و معلمی، ۱۴۰۱: ۵۸۱).

سید جمال در تقسیم مرسوم دانش به نظری و عملی و نیز در تقسیم‌بندی فارابی به‌گونه‌ای بازنایشی کرد که اساساً منظر و نقطه شروع طبقه‌بندی دانش را دگرگون نمود. از نظر او نقطه آغاز دانش نه حکمت نظری بلکه در حکمت عملی است که دارای اولویت و ضرورت بیشتر است. حکمت عملی دانشی است در ارتباط با عمل و ارتباط مستقیمی با ضرورت‌های معیشتی انسان دارد (برگرفته از حسینی اسدآبادی، ۱۳۸۹).

سید جمال‌الدین، علم را در سه طبقه معیشت، نفس و عقل، دسته‌بندی نمود. لایه اول که رفع نیازهای معیشتی انسان است، امور کاملاً حسی، مشاهدتی و ظاهری را شامل شده که با حواس پنج‌گانه انسان مرتبط است و علوم مختلف متناسب با آن شکل می‌گیرد. سید جمال‌الدین در مشخص نمودن تعداد علوم مختلف برآورنده نیازهای جسمانی تا آنجا پیش می‌رود که از علم تدبیر منزل و فن قوانین مدنی و نظامات بلدی و سیاست دولتی نام می‌برد.

علوم معیشتی که منشأ ایجادشان در نیازهای زیستی انسان است، با تغییر در این مطالبات و پدید آمدن تحولات محیطی و جمعیتی به دگرگونی دچار شده و نیازمند هماهنگی و تغییر دائمی‌اند. سیاست نیز چنین بوده و باید چرخه متناوب تغییر و هماهنگی را تجربه کند؛ این امر به کمک دانش سیاست اتفاق می‌افتد.

اما تمام نیازهای انسان محدود به نیازهای جسمی نیست و نیازهای باطنی هم اهمیت دارند. حالاتی همچون اضطراب، خشم، حسادت و ناراحتی به نفس انسان مربوط است و تدبیری متفاوت از تدبیر معیشت او نیاز دارد. در اینجا عقل انسان بار دیگر با تمییز نهادن میان ملکات و رذایل اخلاقی و توصیه به تزکیه و کسب فضایل، فن تهذیب اخلاق را بنا می‌کند. سید جمال، معتقد است عقل با کمک فلسفه به تدبیر نفس می‌پردازد و فن تهذیب اخلاق را ایجاد می‌کند (کیخا، ۱۳۹۹: ۲۰۶-۲۱۰؛ به نقل از حسینی اسدآبادی، ۱۳۸۹).

### ۶-۵- مؤلفه‌های آرمان‌شهر سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال‌الدین اسدآبادی معتقد بود که تمام پیشرفت‌های جوامع غربی ناشی از علم است و جوامع اسلامی نیز باید به اصولی چون عدالت، آزادی، برابری و برادری که در غرب وجود دارد، توجه کنند تا به ترقی برسند (اسدآبادی، ۱۳۵۰: ۲۵۳). از این رو، او تمرکز خود را بر نوسازی سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی قرار داد و بر این باور بود که ایجاد احزاب سیاسی در شرق می‌تواند از بهترین راه‌ها برای پیشرفت ملت‌های اسلامی باشد. همچنین سید جمال‌الدین بر اهمیت آزادی مطبوعات و آزادی بیان تأکید داشت، زیرا این‌ها موجب شفافیت در جامعه و فراهم شدن زمینه برای رشد و ترقی می‌شدند (اسدآبادی، ۱۳۵۰: ۲۵۷).

او در راستای تحولات سیاسی، به دنبال محدود کردن قدرت مطلقه حکومت‌ها و انتقال به حکومت‌های مشروطه بود و به مدل حکومتی پارلمانی اروپایی نگاه داشت. در واقع، سید جمال‌الدین خواستار تحول نظام سیاسی جوامع اسلامی به سوی مشروطیت بود تا جوامع شرقی نیز بتوانند از گفتمان مدرنیته بهره‌مند شوند. او باور داشت که برای رسیدن به استقلال، کشورهای اسلامی باید با استفاده از علم و تکنولوژی جدید و پذیرش قوانین مدنی و اجتماعی، خود را از سلطه استعمار و استبداد رهایی بخشند (برگرفته از مقاله انحطاط المسلمین و سکونهم و سبب ذلک در نشریه عروه الاوثقی) سید جمال‌الدین همچنین به این نکته اشاره داشت که ملتی که در تصمیم‌گیری‌های خود مشارکت ندارد و در مسائل عمومی کشورش اراده‌ای ندارد، در حالت بی‌ثباتی و بی‌نظمی قرار دارد (اسدآبادی، ۱۳۵۵: ۱۳۵۵).

۱۳۷). او بر این باور بود که مردم باید در حکومت مشارکت کنند و دموکراسی باید به شکلی درست و مؤثر اجرا شود. لازم به توضیح است که سید جمال‌الدین در سخنان خود، امکان تشکیل چنین حکومتی را در جامعه ایران در عصر خود، دشوار می‌دانست. با این حال، وی به مشارکت مردم اعتقاد داشت. او به خدیوی مصر توصیه می‌کرد که مردم را در فرآیند حکومتی شریک سازد، از طریق مشورت با مردم و تدوین قوانین پس از انتخابات عمومی. این تفکر سید جمال‌الدین به وضوح تحت تأثیر مدل حکومتی غربی‌ها قرار داشت که در آن حکومت‌ها از طریق شوراها اداره می‌شدند.

در نظریه اتحاد اسلامی سید جمال‌الدین نیز تحولی مشاهده می‌شود؛ او ابتدا بر اتحاد دولت‌های اسلامی تأکید داشت، اما به تدریج به سمت اتحاد ملت‌های اسلامی پیش می‌رفت. دولت از نگاه سید جمال‌الدین به ساختارهای حکومتی و سیاسی اشاره دارد که در بسیاری از موارد دچار استبداد و فساد بودند. او معتقد بود که این دولت‌ها به تنهایی قادر به ایجاد وحدت و پیشرفت در جهان اسلام نیستند. از سوی دیگر، ملت به مجموعه مردم مسلمان با هویت مشترک دینی و فرهنگی اشاره دارد که می‌توانند با آگاهی و بیداری، نقش فعالی در تعیین سرنوشت خود ایفا کنند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۸). در این خصوص، سید جمال‌الدین فرموده «ای کاش! من تمام تخم‌افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم. چه خوش بود تخم‌های بارور و مفید خود را در زمین شوره‌زار سلطنت فاسد نمی‌نمودم! آنچه در آن مزرعه کاشتم به نمو نرسید. هرچه در این زمین کویر غرس نمودم فاسد گردید. در این مدت هیچ‌یک از تکالیف خیرخواهانه من به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت. همه را شهوت و جهالت مانع گشت» (اسدآبادی، ۱۳۵۰: ۲۴۹). در این نظریه، مشارکت مردم در سیاست به شکلی هدایت‌شده از سوی علما پیش‌بینی شده بود (اسدآبادی، ۱۳۵۰: ۱۹۸). در این دیدگاه، علما نقش رهبران ملت را ایفا کرده و تأثیرگذارترین مقامات اجتماعی بودند که فعالیت‌های سیاسی را هدایت می‌کردند (برگرفته از مقاله انحطاط المسلمین و سکونهم و سبب ذلک در نشریه عروه الاوثقی). سید جمال‌الدین در تلاش‌های خود برای تحقق

وحدت اسلامی، به دو مقوله اساسی توجه داشت: اول، عوامل و شرایط ایجاد وحدت و دوم، موانعی که در راه وحدت قرار داشت. او با استناد به اصول قرآنی، به ایجاد زمینه‌های لازم برای وحدت و رفع موانع آن می‌پرداخت (اصدق‌پور، ۱۳۹۵: ۲۴).



شکل ۳. عوامل ایجاد و موانع پیش روی ایجاد وحدت

(مأخذ: نگارندگان بر اساس اصدق‌پور، ۱۳۹۵)

طرح نهایی سید جمال‌الدین در مورد حکومتی که می‌خواست ایجاد کند، در انجمن «ام‌القرآ» که قرار بود در مکه تشکیل شود، مشخص شد. این انجمن به‌عنوان مجلسی جهانی برای مسلمانان عمل می‌کرد که نمایندگان مسلمانان از سراسر جهان در آن گرد می‌آمدند. در این طرح، یک سلطان از سوی این مجلس برای رهبری عالی جهان اسلام (در استانبول یا کوفه) انتخاب می‌شد. انتخاب شهرهای مکه، استانبول و کوفه در طرح سید جمال‌الدین اسدآبادی برای انجمن «ام‌القرآ» و رهبری جهان اسلام، ریشه در اهمیت تاریخی، مذهبی و سیاسی این شهرها دارد. مکه به‌عنوان زادگاه اسلام و قبله مسلمانان، جایگاه ویژه‌ای در دل مسلمانان دارد. انتخاب مکه برای تشکیل انجمن «ام‌القرآ» نمادی از بازگشت به اصول اولیه اسلام و تأکید بر وحدت امت اسلامی بود. در زمان سید جمال‌الدین، استانبول مرکز خلافت عثمانی و نماد قدرت سیاسی مسلمانان به‌شمار می‌رفت.

انتخاب استانبول به عنوان مقر احتمالی سلطان، نشان دهنده تمایل به بهره‌برداری از ساختارهای موجود برای تقویت اتحاد اسلامی بود. کوفه نیز در تاریخ اسلام به عنوان یکی از مراکز مهم علمی و سیاسی شناخته می‌شود. انتخاب کوفه به عنوان گزینه‌ای برای مقر سلطان، ممکن است به دلیل جایگاه تاریخی آن در دوران خلافت امام علی (ع) و نقش آن در تحولات اولیه اسلامی باشد.

همچنین یک مقام علمی به نام «اعلم» توسط مجلس انتخاب می‌شد که وظیفه نظارت بر مسائل دینی و شرعی مردم را بر عهده داشت. در این مدل حکومتی، سلطان یا خلیفه نقش ریاست اجرایی را داشت و با کمک مقام‌های محلی، امور کشور را اداره می‌کرد. بر اساس گزارش ناظم‌الاسلام کرمانی، این طرح سید جمال‌الدین چهار رکن اصلی داشت:

- مجلس شورای عالی مسلمانان که از نمایندگان تمامی مسلمانان جهان تشکیل می‌شد و مسئولیت قانون‌گذاری و تعیین اصول اجرایی بر اساس قرآن را بر عهده داشت.
- قوه اجرایی عالی که مصوبات مجلس را اجرا می‌کرد.
- مقام نظارت عالی که نظارت علمی و دینی بر مصوبات مجلس داشت و یک اعلم از جهان اسلام در رأس آن قرار می‌گرفت.
- حکومت‌های محلی و ملی که تحت نظارت قوه اجرایی عالی قرار داشتند.

وظایف اصلی مجلس شورای عالی مسلمانان به شرح زیر بود:

- تصویب قوانین و تعیین تکالیف اسلامی بر اساس قرآن و اصول دین.
- انتخاب یک سلطان برای ریاست قوه مجریه.
- تعیین یک اعلم برای نظارت دینی و علمی بر مصوبات.
- تعیین پایتخت جهان اسلام که مکه را ترجیح می‌داد.

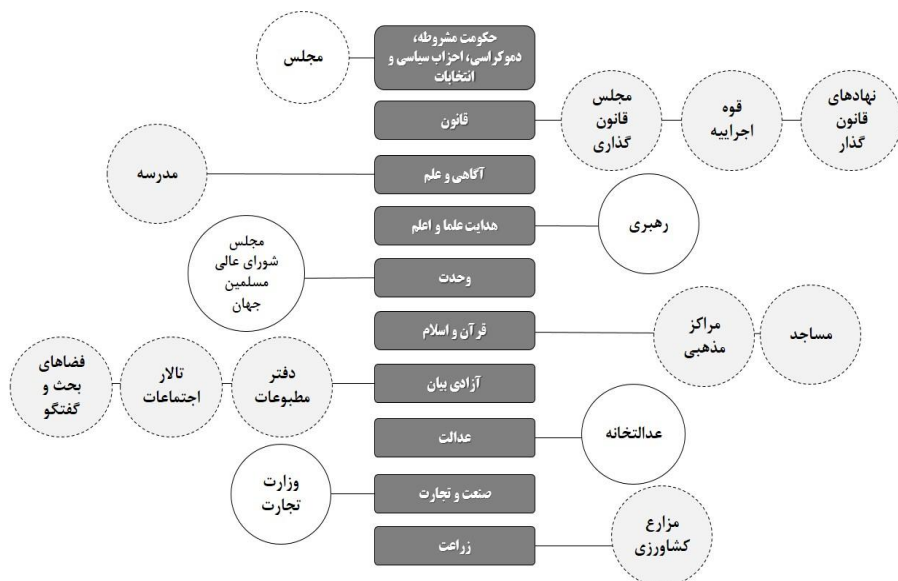
سید جمال‌الدین تأکید داشت که هدف از این مدل حکومتی وحدت مسلمانان و تأسیس حکومتی بر اساس آموزه‌های قرآن است. او در طرح خود بر مشارکت

عمومی و انتخابی بودن مقامات تأکید می‌کرد، نه انتصابی یا موروثی بودن. به همین ترتیب، مقامات محلی تحت تأثیر اراده عمومی و تأیید قوه قانون‌گذاری انتخاب می‌شدند. این طرح به نوعی مدلی دموکراتیک بود که در آن قدرت در دست مردم و نمایندگان منتخب آن‌ها قرار داشت. این دیدگاه‌ها در زمانی مطرح شد که سید جمال‌الدین به دعوت سلطان عبدالحمید دوم به استانبول سفر کرده بود. اگرچه به نظر می‌رسد که او به دنبال تشکیل یک کشور واحد تحت رهبری عثمانی بود، اما واقعیت این است که سید جمال قصد داشت از موقعیت خلافت برای تحقق اهداف وحدت اسلامی و پیشبرد اندیشه‌های خود استفاده کند. هرچند این دو شخصیت در هدف مشترک به نزدیکی رسیدند، تفاوت‌هایی در درک آنان از اتحاد اسلامی به وضوح آشکار شد (الحسینی، ۱۳۹: ۱۳۵۵).

#### ۶-۶- جهان‌شهر اسلامی: آرمان‌شهر سید جمال‌الدین اسدآبادی

به منظور ارائه ساختار آرمان‌شهر وی، پس از بررسی آرا و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، کلیدواژه‌های پرتکرار در سخنان و نوشته‌های ایشان استخراج گردید. اولین کلیدواژه پرتکرار، حکومت مشروطه و دموکراسی است. این واژه از آنجایی اهمیت دارد که در سید جمال‌الدین اسدآبادی در متن انقلاب مشروطیت و تغییرات سیاسی قرار گرفته است. نمود کالبدی این کلیدواژه را می‌توان مجلس ملی دانست. دومین کلیدواژه قانون است. سید جمال‌الدین، وجود قانون را یکی از مهم‌ترین ارکان اصلاح جامعه مسلمین می‌اند و پیشرفت‌های غرب در زمینه قانون‌گذاری را ستایش می‌کند. دولت (قوه مجریه)، مجلس قانون‌گذاری و سایر نهادهای قانون‌گذار سه نمود کالبدی استقرار قانون در جامعه هستند. آگاهی و آزادی بیان دو کلیدواژه دیگر سید جمال‌الدین هستند. اهمیت آگاهی به قدری بالاست که سید جمال‌الدین تنها به آموزش مدارس بسنده نکرده و در طول زندگی خود با انتشار مقالات مختلف در روزنامه‌ها، تلاش گسترده‌ای را برای افزایش آگاهی‌های عمومی به انجام رسانده است. نمود کالبدی این موضوع را می‌توان در دفاتر مطبوعات و فضاهای بحث و گفتگو دانست. کلیدواژه وحدت، پرتکرارترین کلیدواژه بیان شده در آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی است. هدف

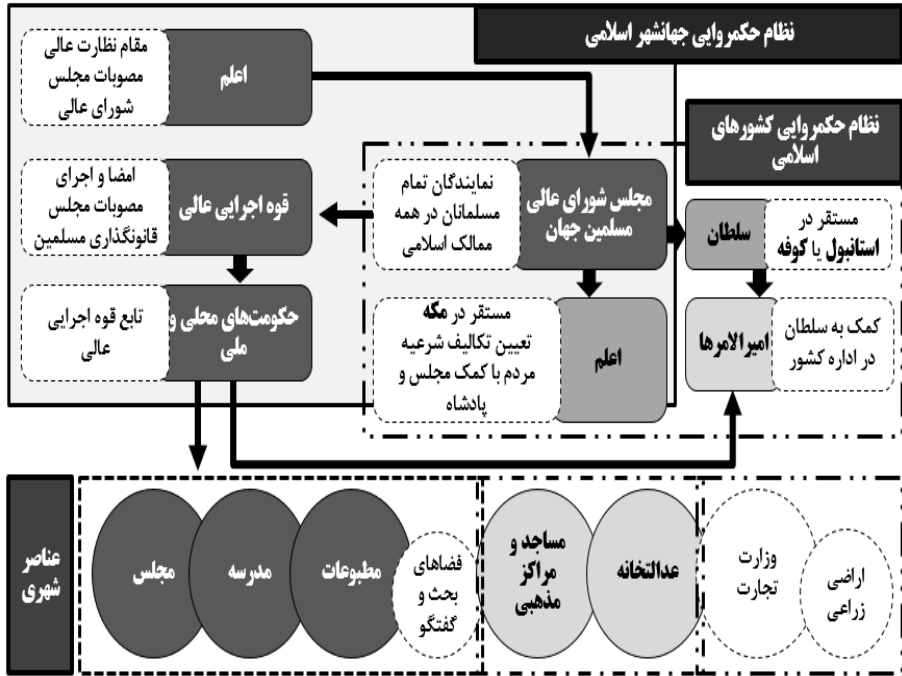
اصلی او همواره وحدت در جهان اسلام بوده است. این وحدت از طریق هدایت علما انجام گرفته و مجلس شورای عالی مسلمین نمود کالبدی این کلیدواژه است. عدالت، زراعت و تجارت نیز از کلیدواژه‌های پرتکرار سید جمال‌الدین اسدآبادی است. نمودار کالبدی هر یک از این کلیدواژه‌ها به ترتیب عدالت‌خانه، وزارت بازرگانی (تأسیس در دوران ناصری) و مزارع کشاورزی است. شکل ۴ کلیدواژه‌ها و نمودهای کالبدی آن‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۴- کلیدواژه‌های پرتکرار و عناصر کالبدی متناظر آن  
(مأخذ: نگارندگان)

سید جمال‌الدین اسدآبادی عموماً با واژه وحدت امت اسلام شناخته شده است. سید جمال‌الدین، وحدت را راه اصلی مقابله با نفوذ جریان فکری غرب دانسته و برای این منظور، نظام حکمروایی جهانی را برای امت اسلام معرفی می‌کند. سید جمال‌الدین به حکمروایی به‌عنوان یک نظام اداره جامعه بر اساس مشارکت مردم، قانون و نهادهای نظارتی اعتقاد داشت، نه صرفاً حکمرانی به معنای اعمال قدرت توسط دولت. همان‌طور که اشاره شد در بالاترین سطح نظام حکمروایی ملت اسلامی، مجلس شورای عالی مسلمین جهان قرار گرفته است. این مجلس از نمایندگان تمام مسلمانان در کشورهای اسلامی تشکیل می‌شود. در سطح دوم

حکومت‌های ملی و محلی قرار گرفته‌اند که طبق قوانین مصوب مجلس شورای عالی مسلمین عمل کرده و به سلطان در اداره امور یاری می‌رسانند.



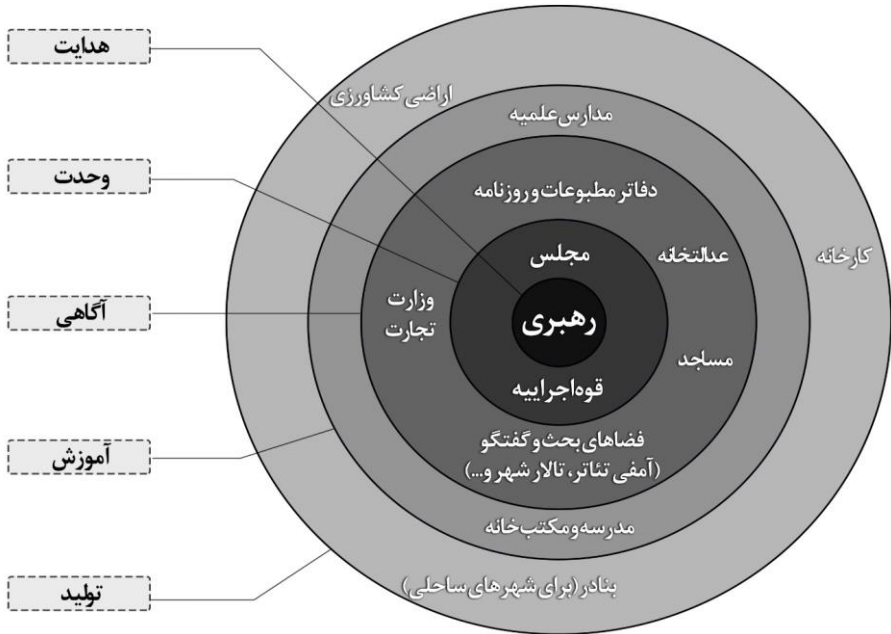
شکل ۵- نظام حکمروایی جهان‌شهر اسلامی

(مأخذ: نگارندگان)

## ۶-۷- نظام کالبدی جهان‌شهر اسلامی

استخراج نظام کالبدی از اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، با دو چالش اساسی روبه‌رو است: چالش اول این است که تفکرات سید جمال‌الدین، عموماً در لایه حکمروایی قرار داشته و کمتر به عرصه کالبدی ورود کرده است. چالش دوم؛ نگاه فراملی سید جمال‌الدین است. سید جمال‌الدین کشورهای اسلامی را به صورت یک کل تحت عنوان امت اسلامی در نظر گرفته است. این موضوع سبب شده تا دستیابی به یک الگوی مشترک، دشوار به نظر رسد. الگوی کالبدی جهان‌شهر اسلامی باید قابلیت تطبیق‌پذیری بالایی با شرایط و زمینه کشورهای اسلامی داشته باشد و از طرفی نیز، باید عناصر تمدن‌ساز موردنظر سید جمال‌الدین را در همه کشورها دارا باشد. به این ترتیب، شکل ۶ الگوی کالبدی جهان‌شهر اسلامی را به

تصویر کشیده است. در این الگو عناصر بر اساس اهمیتشان از دیدگاه سید جمال‌الدین به ترتیب از مرکز تا حاشیه شهر قرار گرفته‌اند. اصلی‌ترین عنصر این شهر رهبری علما و روحانیون اسلامی است که در مرکز شهر قرار گرفته‌اند. در واقع می‌توان گفت، در ستیز میان ممالک اسلامی و دنیای غرب، علما نقش اصلی را در آگاه‌سازی و جریان‌سازی میان مردم بر عهده دارند. لایه دوم عناصر اجرایی و اداری قرار گرفته‌اند که در دو بخش مجلس و قوه مجریه خلاصه شده است. همان‌طور که اشاره شد، حکومت مشروطه، یکی از عناصری است که سید جمال‌الدین به لزوم شکل‌گیری آن اشاره کرده است. در لایه سوم، عناصر آگاهی‌ساز و عدالت‌خواه جای گرفته‌اند. سید جمال‌الدین، آگاهی‌توده‌ها را برای تشکیل یک حکومت مشروطه ضروری دانسته و از سوی دیگر، این آگاهی، موجب مقابله با خرافات موجود در سرزمین‌های اسلامی می‌شود. عناصر شهری مانند دفاتر مطبوعات، عدالت‌خانه، مساجد و فضاهای بحث و گفتگو در این لایه استقرار خواهند یافت. وزارت تجارت نیز به دلیل اهمیت تولید و بازرگانی در لایه سوم جای داده شده است. لایه چهارم به آموزش اختصاص یافته است. در این لایه، مدارس و حوزه‌های علمیه قرار گرفته و دلیل آن تأکید سید جمال‌الدین به آگاهی از طریق آموزش است. لایه پنجم جهان‌شهر اسلامی، لایه تولید است. اراضی کشاورزی، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و بنادر قرار گرفته است و نقش تأمین نیازهای اساسی مردم را بر عهده دارند.



شکل ۶- نظام کالبدی جهان‌شهر اسلامی  
(مأخذ: نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی درباره آرمان‌شهر اسلامی، بر مبنای وحدت، عدالت، آگاهی و اصلاحات سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است. برخلاف آرمان‌شهرهای خیالی که در تفکرات فیلسوفانی مانند افلاطون یا تامس مور دیده می‌شود، نگاه سید جمال به آرمان‌شهر، یک مدل عملی و قابل تحقق برای جهان اسلام بود. او بر این باور بود که مسلمانان باید با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، تقویت دانش و آگاهی و از میان برداشتن موانع استبداد و استعمار، ساختاری منسجم و کارآمد برای جامعه خود ایجاد کنند.

در طرح پیشنهادی سید جمال، جهان‌شهر اسلامی بر اساس یک حکومت مشروطه اسلامی شکل می‌گرفت که در آن، مجلس شورای مسلمانان، قوه اجرایی و یک مقام نظارتی علمی (اعلم) به‌عنوان ارکان اصلی حکومت عمل می‌کردند. او در طرح خود، شهرهای مکه، استانبول و کوفه را به دلیل اهمیت تاریخی، مذهبی و سیاسی، به‌عنوان مراکز رهبری جهان اسلام پیشنهاد داد. همچنین، او بر مشارکت مردمی، آزادی بیان، توسعه علمی و عدالت اجتماعی تأکید داشت و معتقد بود که مسلمانان باید از الگوهای پیشرفته حکمرانی بهره ببرند، اما آن‌ها را در چارچوب ارزش‌های اسلامی بازتعریف کنند.

در مجموع، آرمان‌شهر سید جمال‌الدین اسدآبادی، مدلی ترکیبی از اصول دینی و اصلاحات سیاسی مدرن بود که هدف آن، اتحاد مسلمانان، استقلال از استعمار و ایجاد حکومتی مبتنی بر عدالت، علم و معنویت بود. اگرچه ایده‌های او در دوران خود تحقق نیافتند، اما تأثیر عمیقی بر جنبش‌های اصلاحی و بیداری اسلامی در قرن‌های بعد گذاشتند و همچنان به‌عنوان الگویی فکری در مطالعات تمدنی و سیاسی اسلامی مطرح هستند.

## منابع

۱. آقازاده، جعفر، عبداللهی، غفار (۱۴۰۰)، اتحاد اسلام از منظر سید جمال‌الدین اسدآبادی و سلطان عبدالحمید دوم، شیعه پژوهی، سال هشتم، شماره ۲۱، ۱۵۹-۱۷۹.
۲. اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۱۲)، مقالات جمالیه، گردآوری میرزا لطف‌الله خان اسدآبادی، تهران: انتشارات اسلامی.
۳. اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۵۰) نامه‌ها و مکتوبات سید جمال‌الدین اسدآبادی، گردآوری سید هادی خسروشاهی در نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین اثر محمد محیط طباطبایی، قم، دارالتبلیغ.
۴. اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۵۵) عروه‌الوثقی، مقاله الوحده و السیاده، ترجمه عبدالله سمندر، کابل، حوت.
۵. اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۵۵) عروه‌الوثقی، إنحطاط المسلمین وسکونهم وسبب ذلک، ترجمه عبدالله سمندر، کابل، حوت.
۶. اصدق‌پور، محمد (۱۳۹۵)، آراء تفسیری سید جمال‌الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن، دو فصلنامه علمی دین و دنیای معاصر، ۳(۲)، ۱۹-۳۶.
۷. افلاطون (۱۳۸۷)، جمهوری، ترجمه فواد روحانی، انتشارات خوارزمی.
۸. امین‌زاده، بهناز، نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، آرمان‌شهر اسلام: شهر عدالت، صغه، ۱۲(۳-۴)، ۲۰-۳۱.
۹. بلالی اسکویی، آریتا (۱۳۹۶)، آرمان‌شهر در عرصه دین، کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، دوره پنجم.
۱۰. پاک، محمدرضا (۱۳۸۷)، پارادیم شهرسازی اسلامی، وقف و حفظ محیط‌زیست، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان.
۱۱. توانا، محمدعلی (۱۳۸۵)، اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی، پژوهش علوم سیاسی، شماره سوم، ۹۷-۱۱۳.
۱۲. جمالی، سیروس (۱۳۵۸)، زندگی و مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
۱۳. حسینی اسدآبادی، سید جمال، الاثار الکامله، العروه‌الوثقی، اعداد تقویمی، سید هادی خسروشاهی، ج ۱، الاولی، مکتبته الشروق الدولیه، القاہره، ۱۴۲۳ ق.

۱۴. حسینی اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۸۹)، مجموعه رسائل و مقالات، به اهتمام سید هادی خسروشاهی، قم: مرکز بررسی‌های اسلامی.
۱۵. حسینی اسدآبادی، سید جمال، خسروشاهی، سید هادی (۱۳۷۹)، الرسائل و المقالات، رساله «الحکومة الاستبدادية»، ص ۶۱-۶۲.
۱۶. خان محمدی (۱۳۸۸)، «حکومت رحیمه حکیمه» در اندیشه سیاسی - اجتماعی سید جمال‌الدین بر اساس رساله الحکومة الاستبدادية، آموزه، شماره ۲.
۱۷. دهقانی، محمد، بارانی، محمدرضا (۱۳۹۶)، جایگاه رواداری در تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، پژوهش‌نامه امامیه، سال سوم، شماره ۶، ۹۹-۱۲۲.
۱۸. زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۹)، رسائل مشروطیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
۱۹. ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۱)، آرمان‌شهر در آرای روشنفکران عصر مشروطه ایران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۱، ۵۵-۶۴.
۲۰. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام، تهران: انتشارات آوای نور.
۲۱. سلیم حکیم، بسیم (۱۳۸۱)، شهرهای عربی اسلامی، ترجمه محمد احمدی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
۲۲. سهروردی (۱۳۸۰)، حکمة الاشراق، ترجمه سید یحیی یثربی، انتشارات مولی.
۲۳. شهیدزاده ماهانی، محمود، (۱۳۶۰)، دایرة‌المعارف آمریکا، مقاله «مدینه‌ی فاضله به تصور غربی‌ها»، تهران، بی‌نا، ص ۴.
۲۴. شیرازی، حمیدرضا، معلمی، حسن (۱۴۰۱)، بررسی و تحلیل دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی با رویکرد اسلامی‌سازی علوم جدید، نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۶، شماره ۳، پیاپی ۹۲، ۵۷۹-۶۰۶.
۲۵. شیروودی، مرتضی (۱۳۹۸)، چالش خلافت و حکومت در اندیشه سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۹، شماره ۴۴، پیاپی ۱۳۴، ۵۵-۷۰.
۲۶. صفایی، ابراهیم (۱۳۶۲)، رهبران مشروطه، تهران: انتشارات جاویدان.
۲۷. طباطبایی، محمد محیط (۱۳۸۰)، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، انتشارات سماط.
۲۸. عزیزی، محمدمهدی، زبردست، اسفندیار، اکبری، رضا (۱۳۹۷)، واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمان‌شهری اسلامی جهت‌کار بست در شهرسازی اسلامی؛ مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال نهم، شماره ۳۴، ۵-۲۲.

۲۹. علی صوفی، علیرضا، زارعی مهرورز، عباس (۱۳۹۱)، اندیشه و عمل سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری، مطالعات تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۱۱-۱۳۳.
۳۰. عنایت، حمید (۱۳۷۲)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر. تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۱. غبار، غلام محمد (۱۳۵۹)، افغانستان در مسیر تاریخ، قم: پیام مهاجر.
۳۲. فارابی (۱۳۸۴)، آراء اهل مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: نشر بیکان.
۳۴. کریم نژاد علیشاهی، فرحناز (۱۴۰۰)، نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، رشد آموزش تاریخ، دوره ۲۲، شماره ۳، ۳۰-۳۳.
۳۵. کیخا، نجمه (۱۳۹۹)، حکمت و سیاست در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۵، پیاپی ۶۵، ۱۹۹-۲۲۱.
۳۶. مافی، محیط (۱۳۴۲)، مبارزات ضد استعماری سید جمال‌الدین اسدآبادی، چاپ اول، تهران: آرش سابق.
۳۷. مجتهدی، کریم (۱۳۶۳)، سید جمال‌الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران، نشر تاریخ ایران.
۳۸. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۳۵)، نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق‌زمین، به کوشش حافظ خانفرمایان، دانشگاه، تهران.
۳۹. مخزومی، محمد (۱۹۳۱)، خاطرات جمال‌الدین الافغانی الحسینی، بیروت.
۴۰. مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۶۰) سید جمال و اندیشه‌های او، تهران: پرستو.
۴۱. مصباحی، محمدجواد (۱۳۷۵)، سید جمال‌الدین اسدآبادی بنیان‌گذار نهضت احیای تفکر دینی، تهران: فکر روز.
۴۲. مطلبی، مسعود، نادری، محمدمهدی (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۶، ۱۲۵-۱۴۶.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۴. مور، تامس، (۱۳۸۸)، اتوییا، ترجمه حمیدرضا آتش بر آب، نشر مرکز.
۴۵. ناظرزاده کرمانی، فرناز (۱۳۷۶)، فلسفه سیاسی فارابی، تهران: دانشگاه الزهراء.

۴۶. نجفی، موسی (۱۳۷۵)، اندیشه دینی و سکولاریسم در حوزه معرفت سیاسی و

غرب‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

47. Augustine, *De Civitate Dei (City of God)*, Book XIV.

48. Bacon, F. (1627). *New Atlantis*. Oxford University Press, 2002.

49. Hosseini Asadabadi, Seyyed Jamal, "Al-Athar Al-Kamilah, Al-Urwah Al-Wathqi", *Calendar Numbers*, Seyyed Hadi Khosrowshahi, Vol. 1, Al-Awli, Maktabah Al-Shoroq Al-Dawlia, Cairo, 1423 AH.

50. Owen, R. (1991). "A New View of Society". Routledge.

## Resources

1. Aghazadeh, Jafar, Abdollahi, Ghafar (2021), "Islamic Unity from the Perspective of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi and Sultan Abdulhamid II", *Shi'ism Studies*, 8th Year, Issue 21, pp. 159-179. [in Persian]
2. Asadabadi, Sayyid Jamal al-Din (1933), *Jamalieh Articles*, compiled by Mirza Lotfollah Khan Asadabadi, Tehran: Islamic Publishing. [in Persian]
3. Asadabadi, Sayyid Jamal al-Din (1971), *Letters and Writings of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi*, compiled by Sayyid Hadi Khosroshahi in *The Role of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi in the Awakening of the East* by Muhammad Moheet Tabatabai, Qom: Dar al-Tabligh. [in Persian]
4. Asadabadi, Sayyid Jamal al-Din (1976), *Urwat al-Wuthqa*, translated by Abdullah Samandar, Kabul: Hoot. [in Persian]
5. Asadabadi, Sayyid Jamal al-Din (1976) *Urwah al-Wathqi*, *The Decline of the Muslims and Their Silence and the Reason for It*, translated by Abdullah Samandar, Kabul, Hout. [in Persian]
6. Asadqpour, Mohammad (2016), "Interpretative Views of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi and Their Social Dimensions", *Quarterly Journal of Religion and Contemporary World*, 3(2), pp. 19-36. [in Persian]
7. Plato (2008), "Republic", translated by Fawad Rouhani, Kharazmi Publications. [in Persian]
8. Aminzadeh, Behnaz, Naqi Zadeh, Mohammad (2002), "Islamic Utopia: The City of Justice", *Safah*, 12(4-3), pp. 20-31. [in Persian]
9. Belali Askoui, Azita (2017), "Utopia in the Realm of Religion", 5th International Congress on Urbanism, Architecture, and Urban Development. [in Persian]
10. Pak, Mohammadreza (2008), "Islamic Urban Planning Paradigm, Endowment, and Environmental Preservation", First Conference on Islamic Utopia, edited by Asghar MontazerAlghaem, Isfahan University. [in Persian]
11. Tavaana, Mohammad Ali (2006), "Islam and Modernity in the Thoughts of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi", *Political Science Research Journal*, Third Issue, pp. 97-113. [in Persian]

12. Jamali, Sirus (1979), *The Life and Struggles of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi*, Tehran: Ata'i Publishing Institute. [in Persian]
13. AlHosseini Asadabadi, Seyyed Jamal, Al-Athar Al-Kamilah, Al-Urwah Al-Wathqi, *Calendar Numbers*, Seyyed Hadi Khosrowshahi, Vol. 1, Al-Awli, Maktabtah Al-Shoroq Al-Dawlia, Cairo, 1423 AH. [in Persian]
14. Hosseini Asadabadi, Seyyed Jamal al-Din (2010), "Collection of Treatises and Articles", edited by Seyyed Hadi Khosrowshahi, Qom: Center for Islamic Studies. [in Persian]
15. Hosseini Asadabadi, Seyyed Jamal, Khosrowshahi, Seyyed Hadi (1990), "Letters and Essays", treatise "The Autocratic Government", pp. 61-62. [in Persian]
16. Khan Mohammadi, (2009), "Rahima Hakimah Government in Political-Social Thoughts of Sayyid Jamal al-Din Based on Al-Hokumat al-Istibadiyah", *Amouzeh Journal*, Issue 2. [in Persian]
17. Dehghani, Mohammad, Barani, Mohammadreza (2017), "The Role of Tolerance in Islamic Civilization Building from the Perspective of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi", *Imamiyah Studies Journal*, Third Year, Issue 6, pp. 99-122. [in Persian]
18. Zargari Nezhad, Gholamhossein (2000), *The Letters of Constitutionalism*, Second Edition, Tehran: Kavir Publications. [in Persian]
19. Sattari Sarbanqli, Hassan (2012), "Utopia in the Views of Intellectuals of Iran's Constitutional Era", *Fine Arts Journal*, Volume 17, Issue 1, pp. 55-64. [in Persian]
20. Sotoodeh, Hedayatollah (1995), *The History of Social Thoughts in Islam*, Tehran: Avaye Noor Publishing. [in Persian]
21. Salim Hakim, Basim (2002), "Arab Islamic Cities", translated by Mohammad Ahmadi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Publications. [in Persian]
22. Suhrawardi (2000), "Hikmat al-Ashraq", translated by Seyyed Yahya Yathrabi, Maula Publications. [in Persian]
23. Shahidzadeh Mahani, Mahmoud, (1981), "Encyclopedia of America", article "Utopia in the Western Concept", Tehran, Bina, p. 4. [in Persian]

24. Shirazi, Hamid Reza, Moalemi, Hassan (1401), "Study and analysis of Seyyed Jamal al-Din Asadabadi's view with the approach of Islamizing modern sciences", *Journal of Epistemological Studies at the Islamic University*, 26(3), 579-606. [in Persian]
25. Shiroudi, Morteza (2019), "The Challenge of Caliphate and Governance in the Political Thought of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi", *Scientific Journal of Islamic History and Iran at Al-Zahra University*, 29th Year, Issue 44, pp. 55-70. [in Persian]
26. Safai, Ebrahim (1983), *Leaders of the Constitutional Movement*, Tehran: Javidan Publishing. [in Persian]
27. Tabatabaei, Mohammad Mohit (2002), "Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the Awakening of the East", Samat Publications. [in Persian]
28. Azizi, Mohammad Mahdi, Zabaradast, Esfandiar, Akbari, Reza (2018), "Analysis of the Manifestation of Environmental Justice in Islamic Utopian Thought for Application in Islamic Urbanism; Case Study: Roosta Binyan Safin Village in Kish", *Iranian Islamic Urban Studies Quarterly*, Ninth Year, Issue 34, pp. 5-22. [in Persian]
29. Ali Sofi, Alireza, Zarei Mehrvarz, Abbas (2012), "The Political Thought and Actions of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi in Struggle with the Nasiri Government", *Islamic History Studies Journal*, Fourth Year, Issue 14, pp. 111-133. [in Persian]
30. Enayat, Hamid (1993), "Political Thoughts in Contemporary Islam". Tehran: Kharazmi Publications. [in Persian]
31. Ghoobar, Ghulam Mohammad (1980), *Afghanistan in the Path of History*, Qom: Payam Mohajer. [in Persian]
32. Farabi. (2005), "The Opinions of the Residents of the Virtuous City". (S. J. Sajjadi, Trans). Tehran University Press. [in Persian]
33. Kermani, Nazeem al-Islam, *History of Iranian Awakening*, Tehran: Peykan Publishing. [in Persian]
34. Karim Nezhad Alishahi, Farahnaz (2021), "The Role of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi in the Awakening of the East", *History Education Growth Journal*, 22nd Year, Issue 3, pp. 30-33. [in Persian]

35. Keikha, Najmeh (2020), "Wisdom and Politics in the Thoughts of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi", Strategic Policy Research Quarterly, 9th Year, Issue 35, pp. 199-221. [in Persian]
36. Mafi, Moheet (1963), Anti-Colonial Struggles of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi, First Edition, Tehran: Arash Saabiq Publishing. [in Persian]
37. Motejedi, Karim (1984), Sayyid Jamal al-Din Asadabadi and New Thought, Tehran: Iranian History Publishing. [in Persian]
38. Moheet Tabatabai, Muhammad (1956), The Role of Sayyid Jamal al-Din in the Awakening of the East, edited by Hafiz Khanfarmaiyan, University of Tehran. [in Persian]
39. Makhzoumi, Mohammad (1931), Memoirs of Jamal al-Din al-Afghani al-Husseini, Beirut. [in Persian]
40. Modarresi Chahardahi, Morteza (1981), Sayyid Jamal and His Thoughts, Tehran: Parasto Publications. [in Persian]
41. Mesbahi, Mohammad Javad (1996), Sayyid Jamal al-Din Asadabadi, Founder of the Religious Thought Revival Movement, Tehran: Fikr-e-Rooz Publishing. [in Persian]
42. Matlabi, Masood., & Naderi, Mohammad Mahdi (2009), "A comparative study of the concept of utopia in the political thought of Islam, Iran and the West". Political Studies Quarterly, 2(6), 125-146. [in Persian]
43. Motahari, Morteza (1984), Islamic Movements in the Last Century, Islamic Publishing Office. [in Persian]
44. More, Thomas (2009), Utopia. (H. Atashbarab, Trans). Nashr-e Markaz. [in Persian]
45. Nazerzadeh Kermani, Farnaz (1997), Political Philosophy of Farabi, Tehran: Al-Zahra University. [in Persian]
46. Najafi, Musa (1996), Religious Thought and Secularism in Political Knowledge and Western Studies, Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute. [in Persian]
47. Augustine, De Civitate Dei (City of God), Book XIV.
48. Bacon, F. (1627). New Atlantis. Oxford University Press, 2002.
49. Hosseini Asadabadi, Seyyed Jamal, "Al-Athar Al-Kamilah, Al-Urwah Al-Wathqi", Calendar Numbers, Seyyed Hadi Khosrowshahi, Vol. 1, Al-Awli, Maktabah Al-Shoroq Al-Dawlia, Cairo, 1423 AH.
50. Owen, R. (1991). "A New View of Society". Routledge.